

آیا چپاول واقعی در کشور جریان ندارد؟؟؟

(صبح)

ای هیچ برای هیچ بر هیچ مپیچ
لطف و محبت و باقی همه هیچ

دنیا همه هیچ و کار دنیا همه هیچ
دانی که ز آدمی پس از مرگ چه ماند

سلطان سنجر چگونه با فساد مبارزه نمود؟؟؟

سلطان سنجر پادشاه دودمان سلجوقی، وارد شهری شد و دانست مردم شهر دچار ظمی فراوان و سهل انگاری های بی پایان هستند مشاورین و دستیارانش را فراخواند و علت را پرسید- همه گفتند بسیاری از کارمندان دولتی بر مردم شهر فشار آورده و از وظیفه خویش سوء استفاده می کنند. سلطان بدون درنگ والی را از مقامش برطرف نمود و با اینکه از نزدیکانش بود و یکی از بزرگانی خیرخواه شهر را بجای والی توظیف نمود. تعدادی نزد سلطان آمده و گفتند شکایت مردم از مامورین دولت بود و نه از والی شهر؟. سلطان سنجر خندید و گفت: مردم آنقدر دانا هستند که می فهمند علت ظلم و ستم کارمندان اداری از بی توجهی و سهل انگاری و عدم کنترل والی بود. سپس ادامه داد، ترقی و تعالی، آبادی و سرسبزی و خیر و فلاح کشور با مردم مصیبت دیده، جفا کشیده و ناخشنود از عملکرد دولت راه به جایی نخواهد برد. بلی! ریشه ظلم و ستم، فساد و فسادگری و چپاول و یغما گری کارمندان دولتی، در روزگزرانی، غفلت، عیاشی و فساد پیشه گی زمامداران روزگزران و مسوولین ناتوان نهفته است.



آقای کرزی! لحظه‌ی با خود خلوت نموده و به این بی‌اندیشید که طی این سال‌ها چه خدمات ارزشمند را به ملت و میهن انجام داده‌اید؟ قیر چند کیلو متر سرک وسیله کمک مستقیم خارجی صورت گرفت، نشر و یخش اخبار، رادیو و تلویزیون کار شما نیست و چند سرمایه‌دار با کمک پیدا و پنهان کشورهای غربی بخاطر نمایش دموکراسی که غریبها از آن بحیث وسیله‌ی استفاده می‌نمایند، دست به چنین اقدامی زده‌اند. اگر منظور شما از مکاتب است با اندوه و درد که با موجودیت نظامیان حدود چهل کشور هنوز نیز مکتب و مدرسه به آتش کشیده شده و اطفال وطن از رفتن به مکاتب منع میشوند. لطفاً اگر برای یکبار هم میشود، از روی انسانیت و افغانیت، بفرمایید که طی این مدت چقدر از کمکهای خارجی و از دارایی ملی به باد فنا رفته و ازین طریق اطرافیان، هم‌زمان و دوستان صاحب ثروت و دارایی شده‌اند؟ چرا از حساب و محاسبه می‌ترسند؟ چرا یکروز نشد که صادقانه و شریفانه قاتلین داکتر عبدالرحمان، حاجی قدیر، محصلین پوهنتون کابل . . . فهرست قاچاقچیان مواد مخدر، سران فاشیزم قومی (از هر قوم و ملت که باشند)، عاملین بمباردمان و کشتار بیگناهان، قاچاقبران معادن و آثار تاریخی . . . را به ملت معرفی نمی‌نمایید؟ تا خیر و سعادت دو جهان را نصیب گردید.

یقیناً که جرئت چنین کاری را ندارید. پس خوب گفته‌اند: (که آزموده را آزمودن خطاست). گمان نمی‌کنم که ملت دیگر فریب رنگ و نیرنگهای رنگارنگ را بخورد و پنج شش سال دیگر برگرده ملت سوار شده تحت عنوان اینکه کارهای باقی مانده را انجام می‌دهید. کدام کار؟؟؟ کدام اندیشه و هدف خدمتگزاری به ملت و مردم؟؟؟ اگر منظور تان اینست که هنوز اطرافیانت از چور و چپاول دارایی عامه سیر نشده‌اند این موضوع جداگانه‌ی بی‌است. نشنیده‌اید که می‌گویند (چشم گرسنه را خدا سیر

کند)

افغانستان رسته از سه دهه بحران و ویرانی هنوز به آتش زیر خاکستر می ماند که هر آن امکان دارد با کوچکترین بی احتیاطی این آتش زیر خاکستر شعله ور گردد و حضور نیروهای جنگ سالار به این وضعیت بیشتر دامن زده است، اما آیا با مسامحه کاری و میدان دادن به نیروهای جنگ سالار تحت عنوان "مجاهد" و "مبارز" می توان از این واقعه جلوگیری کرد یا نه؟ بلکه می توان بر دامنه این تهدید نیز افزود. وضعیت افغانستان طی سال اخیر بعد از تحولات ۱۱ سپتامبر تغییرات زیادی نموده است و همگان چه دوست و چه دشمن، چه غربی و چه شرقی به این باورند که افغانستان باید از این برهه از زمان کوره راهی برای رسیدن به ثبات پیدا کند و گرنه برای همیشه فنا خواهد شد.

اما چگونگی گریز از شرایط فعلی، سئوالی است که اذهان همگان را به خود مشغول داشته و برای یافتن به دنبال پاسخی برای آن هستند. اما آیا این گزینه که باید به نیروهای که وطن را ویران و کابل را بخاک یکسان نمودند، میدان داده شود تا تجربیات اشتباه گذشته خود را تکرار نمایند گزینه درستی است؟ آیا باید انحصار قدرت همواره در دست قدرت مداران باشد؟ و آیا این ها قبلاً يك فرصت را برای ساختن افغانستان با خودخواهی های خود از دست نداده اند؟.

همه این ها سئوالاتی هستند که باید به دنبال پاسخی برای آن بود. جامعه افغانستان به دلیل دوری از قانون و قانونمداری به يك جنگ تبدیل شده است که هرکس زور بیشتر داشت همان قدرت حاکم به شمار می رود. تفنگداران با تکیه به نیروی نظامی خویش خواستار هرج و مرج، چور و چپاول، زورگویی و بی قانونی اند. آیا این به صلاح مردم است؟. پروژه خلع سلاح و تضعیف جنگ سالاران را دولت نه، بلکه مردم به شدت خواستار اند. چون سه دهه جنگ و ویران گری همه داشته ها و نداشته های ما را نابود ساخته است و وضعیتی را به وجود آورد که مردم برای رهایی از جنگ جنگ سالاران خواستار مداخله نیروهای خارجی در قضیه اند.

مردم نه تنها خواستار خلع سلاح و حذف نیروهای جنگ سالار هستند، بلکه این راه را تنها راه اعاده امنیت در کشور می دانند. حوادث متعددی مانند حائۀ هرات بین اسماعیل و رقیبان، حائۀ هشت جوزای شهر کابل، شاخ جنگی های عطا در مزارشریف، خونریزی های دوامدار در جنوب و جنوب غرب و . . . به خوبی خطر این جنگ سالاران را برای مردم خاطرنشان ساخت که يك سوء تفاهم می تواند منجر به کشته شدن بیش از صد نفر شود و عده ای زیادی از مردم را در هول و ترس فرو برد و این یعنی اینکه دیگر زندگی زیر سایه يك جنگ سالار هیچ گاه امنیت را برای افغانستان تامین نخواهد کرد. اگر قدرت جنگ سالاران و باندهای مافیایی مواد مخدر تحت حمایت آنها در وطن مهار نشود، شرایط فعلی نه تنها امنیت کشور را به مخاطره خواهد افکند که مشکلات بسیاری را برای مردم پیش خواهد آورد و يك بار دیگر کشور را به معضل منطقه و فرامنطقه ای قبل از تحولات یازده سپتامبر تبدیل خواهد کرد. معضلی که هیچ کس نمی خواهد دوباره به وجود بیاید. خیانت و

خودخواهی این جنگ سالاران که زاییده تحریکات پشت پرده قدرت های خارجی بود مملکت را بصورت سرزمین ملک الطوایفی درآورده و در هر گوشه فرماندهی؛ گروهی؛ سردسته و گردنکشی برای خویش پوسته و پاتک و زندان و کشتارگاه ساخته از این طریق قدرت و حاکمیت خود را به نمایش می گذاشت. چور و چپاول دارائی های عامه، آغاز یافت. هر یک از گروهها هر کدام بالنوبه هر آنچه در دست شان آمد به یغما بردند و آنرا در بازار های پاکستان به قیمت ناچیز بفروش رسانیدند. در اداره دولت کسانی هستند که مانع آزادی، دموکراسی، حقوق زنان و بالاخره ترقی کشور بحساب میروند.

از جانب دیگر بیداد فساد مالی، رشوت ستانی و بیکاری. خورد و برد قسمت اعظم کمک های خارجی به وسیله وزارتخانه ها و دیگر ارگان های دولتی و کند بودن شرم آور اعمار مجدد. سران و فرماندهان دیروزی در زیر چشم هزاران عسکر امریکایی و ناتو به تولید و تجارت بیسابقه می هیروئین مشغول بوده که مهین را مجدداً در صدر لیست کشورهای تولید کننده هیروئین قرار داده اند. باوجود ادعاهای مبنی بر آزادی بیان، فریادها در گلو خفه می گردند و آنانی که جرئت ابراز نظرات غیر سازشکارانه شان را دارند با ضرب و شتم و تفنگ و تهدید روبرو می شوند. باوجود این که گاهگاهی بوی جنایات سران قدرت و اقارب و همدستان شان در مطبوعات جهانی نیز بالا می گیرد اما این ها بدون کوچکترین توجهی به این رسوایی و با آرامش خاطر به اعمار قصرهای خود بالای سینه های مردم ادامه می دهند.

افغانستان زمانی مالک دموکراسی، قانون، حکومت مردمی و انتخابات دموکراتیک خواهد بود که بر رکن اساسی آن - سکولاریزم - استوار باشد. چون سران بنیادگرایی جدایی دین از دولت را مانعی بر سر راه خود می یابند، آن را ضد اسلامی می نامند تا حاکمیت خویش را تداوم بخشند. رهبران و قوماندانان که به قانون اساسی بعنوان سندی بی ارزش می نگرند، با تکیه بر تفنگ خود انتخابات را نیز هرگز اجازه نخواهد داد آزاد و شفاف باشد.

متأسفانه در جمع معاونین کابینه نه تنها نماینده واقعی ملت و روشنفکران حضور ندارد بلکه در یک نمایش پنهانی پست های معاونیت های ریاست جمهوری ادارات استخباراتی و چوکی های کلیدی را در وزارت دفاع بین یاران تنظیمی دیروز تقسیم میشود. ما دیدیم که رییس دوات در کابینه های خویش توجه زیادی به جنگ سالاران کرد. برخی می گویند که کرزی سال ها حکومت بر کشور اکنون دیگر فرصت چندانی برای جلب اعتماد عمومی ندارد. به همین دلیل اکنون مردم منتظرند که ببینند عاقبت دولت با اینهمه تفنگ داران که در وزارتخانه های دفاع، داخله و ریاست عمومی امنیت ملی لمیده اند، به کجا کشانده خواهد شد.

کرزی به این ممکن دل بسته باشد که با موجودیت نیروهای بین المللی اینهمه تفنگداران که در ادارات فوق الذکر سنگر گرفته اند نمیتوانند عملی را انجام بدهند، ولی دلسردی مردم از دولت، آزار و اذیت دوامدار، بگیریزن و بیر مردم بی دفاع و معرفی افراد بی گناه بنام "طالب" و "القاعده" به نیروهای بیگانه، دزدی، چپاول و رشوت ستانی در ادارات دولتی، حاکمیت های متعدد شهری و محلی، تبلیغات دوامدار بر ضد حاکمیت ملی، و . . . تا چه مدتی دوام میابد. افزون بر این کرزی می باید کم کم مقدمات خروج نیروهای خارجی از افغانستان و جایگزینی اردوی ملی به جای این نیروها را فراهم آورد و در همان حال از مخدوش شدن امنیت و ثبات در این کشور جلوگیری کند.

آیا رییس جمهور خواهد توانست کشور بحران زده را در جاده ثبات و بازسازی قرار دهد؟ در یک اقدامی نمایشی دیگر کرزی به تغییر و تبدیل والی ها و قوماندانان امنیه ولایات اقدام مینماید، هدف ازین تغییرات تامین بهتر امنیت و حاکمیت بیشتر دولت در ولایات کشور اعلان شد. اما با این کار با گذشت هر روز و با سیاستهای تفرقه اندازی اش اوضاع را بدتر از گذشته نموده است. در تمام حوادث ناگوار و خشن شخص وی مقصر اصلی پنداشته میشود. در شرایط فعلی برای همگان آشکار است که مرکز گریزی و قانون شکنی چه در ولایات و چه در مرکز به اندازه ایست که هیچ مرجع قانونی نمی تواند در برابر آن ایستادگی کند. امروز بوروکراتیزم ریشه دار در کشور مانع هرگونه پیشرفت است، لذا برنامه هایی چون خلع سلاح، مبارزه با مواد مخدر، تشکیل کمیسیون های متعدد و غیره نتوانسته اند به موفقیت برسند.

در برابر این نا بسامانی بنیادی، سیاست هایی چون تغییر مسئولین در ولایات، سطحی به نظر می رسد، این سیاست ها نه تنها باعث بهبود اوضاع نمی شود بلکه به آشفتگی آن می افزاید. از سوی دیگر در هم ریختگی صلاحیت ها و مسئولیت های دست اندر کاران امور و بخش های مختلف اداری سبب ناکامی اجرات مثبت و موثر میگردد. اصلاحات اداری نیز در صورتی موثر است که هیچ کس نتواند به ناحق خواسته خود را به کرسی بنشانند. در هر حال ایجاد یک دولت مقتدر مرکزی با اتکا به اصل شایسته سالاری و مدیریت علمی که بتواند به خواسته های مردم پاسخ مثبت بدهد، تنها راه سیاسی بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی به شمار می رود. در غیر آن هر شخصی با تجربه ای هم اگر در این حلقه بسته و در سیستم بهم آمیخته قرار گیرد موفقیت چندانی نخواهد داشت. در کشور بسیاری از فرمانداران محلی و ولایتی هم از اردو، پولیس و افسران امنیتی قبلاً فرماندهان جناح های مختلفی بوده اند که برای سرنگونی "طالبان" در اواخر سال ۲۰۰۱ در تصرف قدرت پیشدستی و خلاف توافق قبلی کابل را اشغال نمودند.

از آن زمان تا کنون سیاستی که مورد حمایت کرزی، آمریکا، بریتانیا و سازمان ملل متحد قرار دارد، همواره بر این اصل استوار بوده است که اعمال غیرقانونی این جناح ها در گذشته نادیده گرفته شود و

به جای آن با شرکت دادن رهبران این جناح ها در روند سیاسی و خلع سلاح افراد تحت کنترل آنها از بروز برخوردهای خشونت آمیز در آینده جلوگیری به عمل آید. آن چه که این فرماندهان می توانند انجام بدهند، استفاده از سمت دولتی خود برای کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر است. آنها هنوز اسلحه در اختیار دارند و نفوذ گذشته خود را بر مردم حفظ کرده اند و این موضوع، مشکلاتی را بویژه به وسیله ضبط غیرقانونی اموال، دارایی و زمین مردم به وجود آورده است. تامین امنیت و جمع آوری سلاح امنیت یکی از همان اصطلاحات و اسامی بی مسمایی است که از زبان مسوولین دولتی و تریبیونها و بلند گوها در داخل و خارج کشور به مود روز و مود سال بدل گردیده، اما واقعیت خلاف آن است که می بینیم، می شنویم و احساس میکنیم.

مردم این پرسش را مطرح میسازند که دولت و مسوولین امنیتی آن با اینهمه تشکیلات وسیع و هزینه های گزاف در برابر اینهمه بی امنی و جنایت که طی سال های گذشته در تاریخ کشور ریکارد قایم کرده است، چه استدلالی دارند، مسوولین دولت با ادعا های بلند بالا و بهانه های ناهمگون در برابر افکار پرسشگر مردم و جهانیان چه پاسخی دارند؟ آیا همین کفایت میکند که میگویند: بیست و پنج سال جنگ درین کشور جریان داشته و درین چند سال برطرف نمیشود؟! و برای آن بیست و پنجسال وقت لازمست؟ یا همینکه میگویند ما هنوز وسایل و امکانات لازم را نداریم...؟

در کشور کشتن، بستن، بردن، اختطاف، زورگویی، قاچاق وحشت، بربریت، جنگ های ذات البینی و مردم آزاری با گذشت هر روز وسعت بی سابقه پیدا می نماید. گزارش هایی در دست است که افراد ملبس به یونیفورم پولیس، در اخلاص امنیت شهر نقش داشته اند، با اینکه از سوی مقامات دولتی اعلام شده که این افراد از چوکات اداره پولیس خارج بوده اند و تنها از یونیفورم استفاده کرده اند، اما این موضوع به قوت خود باقیست که با نبود زیر ساخت اقتصادی افزایش بیکاری سبب اخلاص در امنیت اجتماعی می شود.

نیروهای نظامی و پولیس در اکثر مناطق بالای خانه های مردم از طرف شب یورش برده و اهالی ملکی را تاراج مینمایند. آنها به وسایل گوناگون وارد خانه های مردم میشوند، اعضای فامیل را برای ساعتها گروگان میگیرند، با اسلحه تهدید میکنند، اشیای گرانبهای شان را دزدی مینمایند و گاهی به زنان، دختران و پسران فامیل نیز تجاوز میکنند. افغانهای که توسط سازمان مورد مصاحبه قرار گرفته اند، در مورد تعداد زیادی از قضایایی سخن گفته اند که در آن از گرفتاری، لت و کوب، نگهداری مردم برای اخاذی توسط نیروهای نظامی و پولیس و موجودیت زندانهای شخصی، مطالب فراوانی ثبت گردیده است.

دولت باید برخوردهای محافظه کارانه خویش را نسبت به این مسائل مهم و خطیر کنار بگذارد و دست برخورد قاطع در قبال چنین مسائلی بزند، در غیر این صورت، مردم را به مقابله با خود دعوت

می نماید. همچنین سایر کشورهای حاضر در افغانستان که مأموریت شان به نوعی در سایه سیاست های يك جانبه و تجاوزگرایانه آمریکا با ناکامی مواجه شده، باید با وارد ساختن فشار بر آمریکا و انگلیس، از آن ها بخواهند سیاست های خود را تصحیح بکنند. در این میان دنباله روی این کشورها از سیاست های آمریکا، آن ها را با ناکامی های بیشتری در افغانستان مواجه خواهد ساخت.

از جانب دیگر متاسفانه فضای سیاسی بسیار زودتر از آنچه تصور می رفت رنگ خشونت گرفته است. فروپاشی پایه های امنیت در شهرها و ولایات به دنبال خود بسیاری از امیدها و هدفها را برباد داده است از جمله امید به تولد افغانستان. باثباتی که جامعه جهانی سرود آن را با سقوط "طالبان" سر داد.

www.esalat.org